

تأثیر دین در حقوق بین الملل بشردوستانه با تأکید بر قوانین جنگ در اسلام

زهرا کفانی^۱، زهرا رضایی آهوانویی^۲

چکیده

یکی از مهمترین اهداف وضع قوانین بین الملل، ایجاد رفتار انسانی و بشردوستانه بین کشورهای مختلف در شرایط مختلف و یکی از مهمترین اهداف دین، تنظیم روابط انسان با سایر افراد بشر است. از این رو، قوانینی برای تنظیم روابط انسان در هنگام صلح و جنگ مقرر شده است. دین اسلام با توجه به این غنا می تواند ادعا کند که امروزه می تواند تأثیر زیادی بر این روابط داشته باشد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصد بیان بخشی از این قوانین در حیطه قوانین جنگ است. رعایت قوانین انسانی در جنگ مانند چگونگی رفتار با دشمن، رفتار با زنان و کودکان، رفتار با محیط زیست و قوانین بعد از پایان جنگ مانند رفتار با اسرا و مجروحان، بیانگر ماهیت قوانین اسلامی در برخورد با دیگران و غنای آن برای تأثیر گذاری در قوانین و حقوق بین الملل حال حاضر است.

واژگان کلیدی: قوانین بشردوستانه، حقوق بین الملل، جنگ، اسلام.

۱. مقدمه

تفاوت اسلام با دیگر ادیان آن است که علاوه بر اینکه دین است، شریعت هم است. اسلام قوانینی دارد که فعالیت های زندگی انسان مانند چگونگی رفتار با دیگر ملت ها در هنگام صلح و جنگ را در بر می گیرد. امروزه وضعیت رفتارهای غیرانسانی به ویژه در هنگام جنگ نیاز قوانین

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد کلام اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی گروه علمی - تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

بین‌الملل انسان دوستانه را به دلیل ماهیتش که پشتوانه اجرایی قوی‌تری در بین انسان‌ها به امری مانند شریعت بیشتر کرده است. پژوهش‌های فقهی و تاریخی بسیاری، مسئله قوانین جنگ در اسلام را بررسی کرده‌اند مانند کتاب جنگ و صلح در اسلام از مجید خدوری و حیدرآبادی که با بررسی تاریخی جنگ‌های زمان پیامبر ﷺ به این قوانین می‌پردازد. کتاب آثار الحرب فی الفقه الاسلامی نوشته هبه زحیلی از نظر فقهی به این قوانین می‌پردازد. مقاله قوانین و مقررات کلی جنگ و دفاع در اسلام نوشته علی شوشتری نیز از این موارد است. کتب سیره نبوی و تاریخ اسلام نیز بخشی را به این امر اختصاص داده‌اند. به دلیل غنای قوانین جنگ با محوریت اخلاق و انسانیت در اسلام پرداختن به این حیطة به صورت مستقل و جزئی‌تر و بررسی تفصیلی آن امری لازم و ضروری است تا جایگاه این قوانین و اهمیت آن در دنیای معاصر بیشتر نمود کند. نوشتار حاضر پس از تبیین چگونگی تنظیم روابط انسان توسط دین اسلام در قالب هدف اصلی، قوانینی که اسلام به صورت لازم‌الاجرا در هنگام جنگ برای تنظیم رابطه انسان با دیگران و حتی محیط زیست قرار می‌دهد را به صورت کاربردی تبیین می‌کند و به معرفی منبعی غنی برای نجات از هتک حرمت انسانیت و گنجاندن آن در قوانین حقوق بین‌الملل معاصر می‌پردازد. قوانین بشر دوستانه اسلامی در هنگام جنگ به چهار بخش تقسیم می‌شود: موارد مشروعیت جنگ در اسلام؛ روش اعلام جنگ در اسلام؛ رفتار مسلمانان در هنگام جنگ؛ چگونگی رفتار با اسیران و احکام غنائم جنگی.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. حق

حق در لغت به معنی راست، درست عمل کنید و اختیاری که در طبیعت قانون و یا عرف وجود دارد، است. (عمید، ۱۳۸۹، ص ۴۶۰) برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم اجتماعی، برای هر فرد امتیازهایی در برابر دیگران است که توان خاصی به او می‌بخشد؛ این امتیاز و توانایی را حق می‌گویند. جمع آن حقوق است و به آن حقوق فردی نیز گفته می‌شود. حق حیات، حق

مالکیت، حق آزادی شغل و حق زوجیت از این موارد است. به اعتبار معنی اخیر است که این حقوق به معنای حقوق بشر، حمایت می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۷۳، ص ۱). حق در اصطلاح عبارت است از اقتداری که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند. آزادی عمل، رکن اساسی حق در این تعریف است؛ یعنی انسان‌ها در انجام یا عدم انجام آن عمل آزادند (امامی، ۱۳۷۳، ۱/۱۲۵).

۲-۲. حقوق بین‌الملل بشردوستانه

حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد حقوق بین‌المللی است که با تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه از بین‌المللی و غیر بین‌المللی تکالیف افراد و کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می‌کند. حقوق بشردوستانه، حقوق انسانی در زمان جنگ است. (محقق داماد، ۱۳۸۳، ص ۲۳)

۲-۳. اسلام

واژه اسلام مصدر باب افعال از ماده (س - ل - م) به معنای صحت، عافیت و دوری از هرگونه عیب و نقص و فساد است. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۶/۳۴۵) در باب افعال به معنای انقیاد، اطاعت کلی و بی‌قید و شرط و تسلیم محض بودن است (ایزوتسو، ۱۳۷۴، ص ۲۵۶). اسلام در اصطلاح، معانی عام و خاصی دارد که معنای مورد نظر در پژوهش حاضر، معنای خاص تر اسلام است. این واژه به معنای آخرین شریعت الهی است که حدود چهارده قرن پیش به مردم ابلاغ شده است. علت نام گذاری شریعت خاتم به اسلام این است که در این دین، بنده تسلیم اراده خدای سبحان است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۱/۳۰۱).

۲-۴. جنگ

رفتارهای خصمانه در طول تاریخ به ویژه در میان گروه‌ها و دولت‌های رقیب و هم‌جوار به اشکال گوناگون بروز می‌کند و از منظر اهداف و انگیزه‌ها گاه فتنه جویانه و گاه عدالت طلبانه است. (ابن خلدون، ۱۳۸۳، ۱/۲۷۱) جنگ از نقطه نظرهای متفاوت سیاسی، حقوقی، اجتماعی، تاریخی

و... بررسی شده است. از نظر حقوق، برخی آن را پدیده‌ای فراتر از حقوق و شماری دیگر، بیگانه از حقوق می‌دانند، اما به نظر بسیاری از آنها جنگ واقعی است که مفهوم حقوقی دارد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳، ۴۴/۱).

۳. نقش تعالیم اسلام در تنظیم روابط انسان

دین مجموعه مناسک مربوط به یک باور خاص در زمینه ارتباط معنوی انسان با خداست. دین اسلام در این زمینه با سایر ادیان متفاوت است به طوری که این رابطه را تنها محدود به رابطه انسان با خالق نمی‌داند، بلکه این رابطه را به رابطه خود با خودش و دیگران و سایر مخلوقات تعمیمی می‌دهد. ادیانی که امروزه شناخته می‌شوند یا الهی و آسمانی‌اند یا مکاتب فلسفی و اصلاحگری هستند که دین بودایی از جمله آنهاست.

۳-۱. رابطه انسان با خود و خدا

تا وقتی انسان در درون خود به صلح و آرامش نرسد قادر نخواهد بود که این صلح را در جامعه پیاده کند. پیامبر ﷺ در گام نخست به نهادینه کردن مبادی صلح در دل‌های افراد جامعه پرداخت و این مسئله تأثیر زیادی در ایجاد صلح در جامعه اسلامی داشت. انسان به صورت فطری خصمگین می‌شود، عصیان می‌کند با مردم وارد درگیری، نزاع، کینه، نفرت و دشمنی می‌شود. بنابراین، بسیار ضروری است که ریشه این عصیان و عدم صلح در ابتدا از درون او و سپس از رفتارهای ظاهری او ریشه کن شود و این امر با تلقین اینکه او انسانی است آرام محکم عاقل متفکر در وجود او رسوخ می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲) این آموزش و تلقین رسول خدا به مسلمانان مبنی بر آراستگی به صفت‌های صلح و پرهیز از خشونت به گونه‌ای که بر اثر ممارست بر آن از دو خاصیت مهم موجود در بین مسلمانان باشد آثار مثبتی برجای گذاشت که صلح و پرهیز از خشونت است.

اسلام در ابتدا صلح و آرامش را در نهاد انسان با ایجاد سازش میان قوای درونی و ارضای خواسته‌های طبیعی تحت حاکمیت عقل و به دور از هرگونه افراط و تفریط می‌آفریند. از طرفی

آنچه که باعث می‌شود که انسان در سایه آن به صلح دورنی برسد تنظیم روابطش با خالق هستی است. در سایه این ارتباط است که انسان می‌تواند به مبارزه با نفس پردازد و بر عصیان درونی فائق آید. خداوند در سوره بقره تمام مؤمنان جهان را به صلح، آشتی و آرامش دعوت می‌کند: «یا ایها الذین آمنوا اذخُلوا فی السِّلْمِ کَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ» (بقره: ۲۰۸). از مفهوم این آیه چنین استفاده می‌شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان‌پذیر است و تنها باتکیه بر قوانین مادی هرگز جنگ، ناامنی و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد؛ زیرا عالم ماده و علاقه به آن همواره سرچشمه کشمکش‌ها و درگیری‌هاست و اگر نیروی معنوی ایمان، انسان را کنترل نکند صلح غیرممکن است، بلکه می‌توان گفت از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی به صلح و صفا دعوت می‌کند، استفاده می‌شود که در پرتو ایمان به خدا، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار شود، امکان‌پذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۸۲) و اولین دعوت پیامبر ﷺ دعوت به ایمان به خدای واحد است که در پرتو این امر صلح همگانی تحقق می‌یابد.

۳-۲. رابطه انسان با انسان

انسان مدنی بالطبع است و با اجتماعی زندگی کردن به رشد و تعالی می‌رسد. انسان با اعمال و خواسته‌های نامحدود خود به دنبال منافع شخصی خود است. بنابراین، خود قادر نخواهد بود که توافق اجماعی از نظر منافع همه ایجاد کند.

۴. قواعد انسانی رفتار مسلمانان در هنگام جنگ

چگونگی رفتار مسلمانان در هنگام جنگ در اسلام مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی نیست، بلکه قوانینی است که در کتاب و سنت وجود دارد و مسلمانان ملزم به رعایت آن می‌باشند و عدم رعایت آنها در هنگام جنگ عقاب و بازخواست دنیوی و اخروی دارد. برخی از این قوانین عبارتند از:

در اسلام کشتن بدون دلیل شرعی جایز نیست چنانچه در قرآن آمده است: «و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزاها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید» (انعام: ۶). در هنگام جنگ و کشتن نیز به شدت از زیر پا گذاشتن اصول انسانیت منع شده است. بی‌احترامی به اجساد و مثله کردن آنها جایز نیست. در حدیثی از نبی مکرم اسلام ﷺ آمده است: «من پیامبر ﷺ رحمتم، من پیامبر حماسه هستم من با شعار جهاد برانگیخته شده‌ام نه برای کشت و کشتار» (سلمی، ۱۹۹۳، ۱/ ۱۰۵). یکی از مسائلی که به شدت در جنگ از آن نهی شده مثله کردن جسد میت است. مثله کردن جنازه دشمن یکی از مسائلی است که در نبردهای غیرالهی کم‌وبیش مشاهده می‌شود. برخورد مشرکان مکه با برخی از شهدای احد از جمله حمزه، عموی رسول خدا ﷺ نمونه‌ای از آن است. این کار به دلیل احترام به انسانیت انسان و احترامی که جنازه انسان دارد توسط پیامبر ﷺ و در تعالیم اسلام نکوهش شده است. پیامبر ﷺ فرمود: «بپرهیزید از مثله کردن حتی اگر سگ هاری باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۲/ ۲۴۶).

- سوزاندن جسد در اسلام ممنوع است و هیچ استثنایی در این امر وجود ندارد مگر اینکه مصلحت عامه‌ای اقتضای این امر را بکند مانند ترس از انتقال بیماری‌هایی مانند وبا. لازم است که انسانیت انسان و کرامت او حفظ شود. در قرآن آمده است: «و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم» (اسراء: ۱۷). این امر در بین علمای شیعه و سنی محل اتفاق است. فخر رازی در تفسیر آیه بالا می‌گوید: «نفس انسانی شریف‌ترین نفس‌ها در این عالم و بدن انسان نیز شریف‌ترین بدن‌ها در این عالم است» (الرازی، ۱۳۵۶، ۲۸/ ۱۴۶).

۴-۱. ممنوعیت جنگ با زنان و کودکان

رسول خدا در هنگام جنگ مویه به زیدبن حارثه توصیه می‌کند که: «نوزادان و زنان و پیرمردان و بیماران و کسانی که به کلیساها پناه برده‌اند را نکشید» (الزمالی ۱۹۹۳، ص ۱۰) همچنین پیامبر ﷺ دستور می‌داد که نباید به کودکان و کارگران زمینهای کشاورزی آسیب رساند همچنین پیامبر ﷺ بیان می‌کرد که زنان را در جنگ نکشید مگر اینکه سلاح به دست بگیرند

و با سپاه اسلام بچنگند چنانچه پیامبر ﷺ جسد زنی از مشرکان که کشته شده بود دید گفت و کسی را که دستور قتل این زن و قاتل او را سرزنش کرد و فرمود «این زن نمی‌جنگید». (السعدنی، بی تا، ص ۲۰۷).

۴-۲. ممنوعیت پیمان شکنی و شبیخون زدن در جنگ

پیامبر ﷺ حتی درحالت شک به سوءنیت دشمن، مسلمانان را از بی‌اخلاقی و خیانت منع می‌کرد. آیه ۵۸ سوره انفال مسلمانان را از این عمل باز می‌دارد: «و چنانچه از خیانت کاری گروهی (از معاهدین خود) سخت می‌ترسی تو نیز با حفظ عدل و درستی، عهد آنها را نقض کن خدا خیانتکاران را دوست نمی‌دارد» (انفال: ۵۸). پیامبر ﷺ نیز بارها بر ضرورت وفای به پیمان تأکید کرده است و می‌فرماید: «مردم هرگز هلاک نمی‌شوند مگر آنکه به خیانت و پیمان شکنی افتند» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۳، ۳/۴۴۴). پیامبر ﷺ علاوه بر اینکه خود متعهد به پیمان در جنگ بود و مسلمانان را به این امر توصیه می‌کرد با پیمان شکنان به ویژه برای حفظ مصلحت عامه جامعه به شدت برخورد می‌کرد همان طور که در سرنوشت یهودیان بنی قینقاع و بنی نضیر این برخورد پیامبر ﷺ دیده می‌شود (ابن هشام، ۱۳۸۴، ۲/۷۶-۷۷). توصیه‌های حضرت به اسامه بن زید در هنگام حرکت به سوی شام و تأکید ایشان بر منع از حيله و غدر، شاهد دیگری بر رعایت اصول انسانی و ممنوعیت حيله و غدر در جنگ در سیره پیامبر ﷺ است. امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر ﷺ به هیچ گروهی شبیخون نزد» (کلینی، ۱۳۶۳، ص ۲۸). پیامبر ﷺ از جنگ غافلگیرکننده منع می‌کرد و به پرهیز از بکارگیری مکر و حيله در هنگام جنگ توصیه می‌کرد. ایشان در یکی از سربیه‌ها به امام علی علیه السلام تأکید کرد که به مقابله رویارو با دشمن بپردازد و غافلگیرانه به آنها حمله نکند: «ابتدا آنها را دعوت کن و یا به آنها اعلام کن تا جنگ غافلگیرانه نباشد» (ابن سلمه، بی تا، ۳/۲۰۷؛ صالح شامی، ۱۴۱۴، ۹/۱۱۵). پیامبر ﷺ برای در امان ماندن غیرنظامیان و تشخیص نظامیان در جنگ اقداماتی انجام می‌داد. برای مثال ایشان هنگام ورود به مکه با دادن پرچم که نماد نظامیان بود

به دست برخی از فرماندهان و روانه کردن سپاهیان به دنبال آنها نظامیان خود را از غیرنظامیان تفکیک کرد. حتی برخی از فرماندهان که این روز را روز انتقام دانسته و با این شعار وارد مکه می‌شدند از سوی رسول خدا ﷺ برکنار شدند (ابن هشام، ۱۹۸۵، ۲/۴۰۵).

۳-۴. ممنوعیت از بین بردن اموال و ویرانی

حفظ امور مربوط به مصلحت عامه مردم از مواردی است که در اسلام از تخریب و آسیب رساندن به آن به شدت منع شده است. در اسلام قطع درختان بارور، سوزاندن نخل‌ها و کشتن چهارپایان ممنوع است. (واقدی، ۱۳۶۹، ۲/۷۵۷) فقهای اسلام درباره اصل جلوگیری از تخریب غیرضروری، متفق‌الرأی هستند. فقهای مؤسس چهار مذهب به موجب احکام قرآن و سنت پیامبر از این عقیده به شدت دفاع می‌کنند (القرطبی، ۱۳۲۵، ۱/۲۶۶).

۴-۴. امان دادن به سپاهیان دشمن

تا اوایل قرن بیستم، در جنگ‌های رخ داده در اروپا مسئله‌ای به نام وجوب احترام به امان خواستن سربازان دشمن شناخته شده نبود. این مسئله بعدها در کنوانسیون لاهه سال ۱۸۹۹، با عنوان لایحه جنگ‌های زمینی تصویب شد. در اسلام از بدو ظهور این دین به این مسئله اشاره شده و بر به کار بردن آن تأکید شده است. این امر ریشه در تعالیم قرآنی دارد. «و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود) بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را به مأمن و منزلش برسان؛ زیرا این مشرکان مردمی نادانند» (توبه: ۶).

۵-۴. توقف نبرد در صورت درخواست دشمن

در دین اسلام، جنگ هدف و غایت نیست، بلکه وسیله‌ای برای برپاداشتن حق و مبارزه با باطل است. بنابراین، اسلام در صورت درخواست و تمایل دشمن برای توقف نبرد آن را می‌پذیرد. چنانچه شأن نزول آیه ۶۱ سوره انفال دلالت بر این امر دارد: «و اگر آنها به صلح تمایل شدند تو هم به صلح تمایل نشان بده و بر خدا توکل کن؛ زیرا او همان شنوای داناست» (انفال: ۶۱) (شحاته، ۱۴۲۲، ص ۱۸).

۵. حقوق اسرا و اخلاق تعامل با آنها

گرفتن اسیران جنگی به صورت غنیمت از دوران قدیم معمول بوده است. (واکر، ۱۳۹۷، ۶۱/۱) با وجود آنچه در کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در مورد رفتار با اسیران جنگی تصریح شده بود وضعیت اسرا در جنگ جهانی دوم وخیم و تأسف بار گزارش شده است (روسر، ۱۹۸۲، ص ۱۰۱). پس از پایان جنگ جهانی دوم با تدوین کنوانسیون سوم ژنو پروتوکل ضمیمه آن، قوانین جدیدی در مورد اسیران جنگی وضع شد. اسلام برای برخورد با اسرای جنگی قوانینی دارد که در ابعاد مختلف بررسی می شود. یکی از واجبات اسلامی، حسن رفتار با اسیران است و آزار و اهانت به آنها حرام است. پیامبر ﷺ در برخورد با اسرا اصل کرامت و حرمت انسانی را رعایت می کرد. در جنگ بدر با وجود اینکه اسرای بدر از سرسختترین دشمنان اسلام بودند در قبال فدیة آزاد می شدند. فدیة کسانی که پولی نداشتند آموزش خواندن و نوشتن به مسلمانان بود (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۳).

پیامبر ﷺ فرمود: «با اسیران خوب رفتار کنید». (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۳؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ۱۱۹/۲) علاوه بر سیره پیامبر ﷺ در سخنان اهل بیت علیهم السلام نیز مدارا و حسن تعامل به اسیر توصیه شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «باید اسیر را غذا و آب داد و با او با مدارا رفتار کرد هر چند قصد، کشتن او باشد» (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۲). براساس قوانین اسلام نباید اسیر را مورد آزار قرار داد و کرامت او باید حفظ شود (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷). معامله و برخورد انسانی و اخلاقی با اسرا در اسلام با موارد زیر حاصل می شود:

۵-۱. زمان اسارت

یکی از قواعد و بدیهیات نظامی مورد اتفاق امروز این است که زمان اسارت پس از پایان جنگ است و هنگام پیشروی و مقابله با دشمن نیست: «هیچ پیامبری حق اسیر گرفتن ندارد مگر بعد از آنکه در آن (منطقه و) زمین، غلبه کامل یابد» (انفال: ۶۷). اسیر گرفتن قبل از پایان جنگ در اسلام جایز نیست (نجفی ۱۳۹۲، ۱۲۳/۲۱).

۵-۲. غذا دادن به اسیر

قرآن کریم اطعام اسرا را از رفتارهای اخلاقی مسلمان واقعی می‌داند: «و به (پاس) دوستی (خدا) بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند». (دهر: ۸) ابوعزیز بن عمیر که در جنگ بدر اسیر شده بود از حسن تعامل مسلمانان با او و دادن غذای خود به او به خاطر توصیه پیامبر ﷺ در مورد اسرا سخن گفت (طبری، ۱۳۶۲، ۱۵۹/۲). از این رو، فقها بر وجوب تأمین غذای اسرا بر مسلمانان اتفاق نظر دارد (محقق حلی، ۱۳۸۵، ۲۰۷/۲).

۵-۳. مکان نگهداری اسرا

ماده ۲۵ کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۷۰ میلادی مقرر می‌دارد: «محل سکونت زندانیان باید مشابه اردوگاه‌های نیروهای جنگی که آنها را به اسارت درآورده‌اند، باشد و لزوم رفتار درست با آنها به طوری که به سلامت آنها آسیبی وارد نشود». پیامبر ﷺ محل نگهداری اسرا را مساجد یا خانه‌های مسلمانان قرار می‌داد (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲). با این تصمیم، اسرا در محل زندگی با مسلمانان شریک و با آنها تعامل می‌کرد و برخی از اسرا نیز در خانه پیامبر ﷺ زندگی می‌کردند (احمدی میانجی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۲؛ زحیلی، ۱۴۱۹، ص ۴۰۹).

۵-۴. قوانین آزادی اسرا

آزادی اسرا بر اساس قوانین اسلام به سه صورت انجام می‌شود: آزادی بدون قید و شرط (مغنیه، ۱۳۷۹، ۲۷۳/۲)؛ آزادی با مبادله اسراء. پیامبر ﷺ عمر بن ابی سفیان را با سعد بن نعمان بن اکال مبادله کرد (طبری و دیگران، ۱۳۶۲، ۹۸۹/۳)؛ آزادی با پرداخت فدیة (آیتی و گرجی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۹). در جنگ بدر با وجود اینکه اسرای بدر از سرسخت‌ترین دشمنان اسلام بودند آنها را در قبال فدیة آزاد می‌کردند. فدیة کسانی که پولی نداشتند آموزش خواندن و نوشتن به مسلمانان بود (واقدی، ۱۳۶۹، ص ۲۹۳).

۵-۵. قوانین مجروحان و کشته شدگان جنگ

قوانین حقوق اسلامی، اجازه کشتن مجروحان سپاه دشمن را به رزمندگان نمی‌دهد. (محقق حلی، ۱۳۸۵، ۲۰۷/۹) برخی از فقها به لزوم بازگرداندن اسرا به کشورهایشان فتوا می‌دهند (نجفی، ۱۳۹۲، ۱۲۸/۲۱). همچنین باید از روی لطف و احسان به مداوای آنها پرداخت. امام علی علیه السلام دستور انتقال مجروحان خوارج که تعدادشان چهل نفر بود را از صحنه جنگ داد. همچنین دستور داد آن دسته از مجروحان که توان داشتند را چه قابل درمان بودند چه نبودند نزد خانواده‌هایشان برگردانند (نجفی، ۱۳۹۲، ۷۸/۲۱). قانون اسلامی به هیچ‌وجه اجازه هتک حرمت، سوزاندن یا مثله کردن اجساد دشمن را نمی‌دهد (النجار، ۱۳۹۳، ص ۱۶) امام علی علیه السلام فرمود: «مثله کردن جسد حرام است، حتی اگر سگ هار باشد» (نجفی، ۱۳۹۲، ۱۲۸/۲۱). این حکم در مورد زمان جنگ و بعد از آن ثابت است. روش و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر این است که به سپاه دشمن اجازه می‌داد اجساد کشته شده‌های خود را از صحنه جنگ منتقل کنند. اگر این کار را نمی‌کردند براساس برخی آرای فقهی، دفن آن اجساد واجب بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بدون اینکه از کافر بودن و مسلمان بودن جسدی که در راه بوده است، پرسش کند دستور دفن آن را داد (زحیلی، ۱۴۱۹، ص ۴۸۸).

۶. نتیجه‌گیری

همه ادیان، منبعی برای قواعد حقوق بشرند که امروزه به‌طور مستقیم با متون دینی خود شناخته می‌شوند مانند قرآن کریم: «هل جزاء الإحسان الا الإحسان» (الرحمن: ۶۰)، یا به شکل غیرمستقیم و با تعالیم اخلاقی و رفتارهایی که این ادیان به آنها دستور داده است. در مکتب بودا قانون خودداری از کشتن پناه جویان به معبد مشاهده می‌شود. نکته مهم و شاخصی که دین اسلام را از سایر ادیان متمایز می‌کند برنامه جامع و کاملی است که روابط اصلی انسان را تنظیم می‌کند و جزئیات آن را در قالب قوانینی برای او تبیین و واجب الاجرا می‌داند تا مسیر طی کردن سعادت را به او نشان دهد. بحث قوانین جنگی و قرار دادن اصل انسانیت در رأس آن و

تمرین عملی آن که توسط سنت پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام و سخنان آنها آموزش داده شده است چنین قوانین جامع و کامل و انسانی را به وجود آورده است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم
۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳). تاریخ ابن خلدون. قم: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۲. ابن سلمه، احمد بن محمد (بی تا). شرح معانی الآثار. محقق: مسعد عبدالحمید محمد السعدنی. قاهره: دارالطباع.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: انتشارات ادب الحوزه.
 ۴. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۸۴). سیره النبویه. مترجم: رسولی محلاتی، سیدهاشم. تهران: انتشارات کتابچی.
 ۵. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
 ۶. ابن هشام، عبدالملک (۱۹۸۵). السیره النبویه. محقق: مصطفی السقا. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
 ۷. ابی اسامه، حارث (بی تا). بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث. محقق: مسعد عبدالحمید محمد السعدنی. قاهره: دارالطباع.
 ۸. احمدی میانجی، علی (۱۳۸۰). الاسیر فی الاسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۹. امامی، حسن (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
 ۱۰. آینی، ابراهیم، و گرجی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). تاریخ پیامبر ﷺ اسلام. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۱. ایروتسو، توشیهیکو (۱۳۷۴). خدا و انسان در قرآن. مترجم: آرام، احمد. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۳). سیره نبوی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
 ۱۳. الذهبی، شمس الدین (۱۴۰۷). تاریخ الاسلام. بیروت: دارالکتب العربی.
 ۱۴. روسر، شارل (۱۹۸۲). قانون حقوق المنزعات المسلحه. بیروت: انتشارات الاهلیه.
 ۱۵. زحیلی، وهبه (۱۴۱۹). آثار الحرب فی الفقه الاسلامی. دمشق: دارالفکر.
 ۱۶. الزمالی، عامر (۱۹۹۳). مدخل الی القانون الدولی الانسانی تونس: منشورات المعهد العربی لحقوق الانسان.
 ۱۷. سلمی، محمد بن سعد (ابن سعد) (۱۹۹۳). الطبقات الکبری. طائف: مکتبه الصدیق.
 ۱۸. شحاته، عبدالله (۱۴۲۲). تفسیر قرآن کریم. قاهره: دارغریب للطباعه والنشر و التوزیع.
 ۱۹. صالحی شامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴). سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲۰. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۴). حقوق جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه المدرسین.
 ۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری. مترجم: پاینده، ابوالقاسم. تهران: انتشارات اساطیر.
 ۲۳. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۵۶). تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب). قاهره: انتشارات قاهره.



۲۵. القرطبی، محمد بن احمد بن رشد (۱۳۲۵). المقدمات الممهديات. قاهره: انتشارات قاهره.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات میزان.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. مصحح: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. قم: مؤسسه الوفاء.
۲۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۸۵). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۰. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). حقوق بشر دوستانه بین الملل. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۱. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۹). فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام. قم: مؤسسه انصاریان.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. النجار، محمد (۱۳۹۳). الام للامام الشافعی. بیروت: دارالمعرفه.
۳۴. نجفی، محمد حسن (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. قم: انتشارات اسلامی.
۳۵. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). مغازی. مترجم: مهدوی دامغانی، محمود. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۶. واکر آرنولد، توماس (۱۳۹۷). تاریخ گسترش اسلام. مترجم: عزتی، ابوالفضل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.